

ارائه مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش در جهت تقویت اصول مقاومتی در بانک‌ها

نوع مقاله: ترویجی

^۱ محمد عربی

^۲ روح الله توپایی

^۳ مهدی فرمانی

^۴ محمدرضا محمدخانی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳

چکیده

مدیریت صحیح منابع و سرمایه‌ها موجود در کشور و در رأس آن مدیریت دانش و جریان اطلاعات در سطح ملی یکی از اساسی‌ترین عوامل در تحقق مفهوم اقتصاد مقاومتی است. از این‌رو می‌توان راه رفع اثر تحریم‌های اقتصادی را به کارگیری صحیح مفهوم مدیریت دانش در قالب مدیریت دارایی‌ها و سرمایه‌های فکری و بدنبال آن افزایش بهره‌وری در سازمان‌ها و انتقال و اشتراک دانش در کل سازمان‌ها و ارگان‌ها به‌منظور افزایش بهره‌وری و دست‌یابی به اقتصاد دانش محور دانست. بنابراین هدف از انجام این پژوهش ارائه مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش در جهت تقویت اصول مقاومتی در بانک‌ها است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی است. استراتژی پژوهش، از نوع پیمایش بوده است که با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی همزمان روابط بین متغیرهای پژوهش پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران، مسئولان و سرپرستان شعب مختلف بانک انصار در سطح شهر تهران بوده است. تعداد ۹۷ نمونه به روش نمونه‌گیری خوش‌های انتخاب شد. جمع‌آوری داده‌ها با

^۱ کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران ایران
arabi@ut.ac.ir

^۲ استادیار گروه فناوری اطلاعات، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
tavallaee@ihu.ac.ir (نویسنده مسئول)

^۳ کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، ایران
mahdi.farmani@ut.ac.ir

^۴ کارشناس ارشد کارآفرینی، دانشکده پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران
m_mohamadkhani@vu.iust.ac.ir

استفاده از دو روش کتابخانه‌ای برای مرور ادبیات پژوهش و روش میدانی برای توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه انجام گرفت. برای سنجش و تأیید روایی پرسشنامه حاضر روایی محتوا، روایی سازه و روایی همگرا بررسی شد. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. به منظور بررسی داده‌های پژوهش و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار آماری اسمارت پی‌ال‌اس استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که درون‌زاوی بر توجه به سرمایه‌های انسانی و تولید دانش تأثیرگذار است، تولید دانش بر به کارگیری دانش و اشتراک دانش تأثیر معنادار دارد، اشتراک دانش بر انعطاف‌پذیری و برونقگری تأثیرگذار است، توجه به سرمایه‌های انسانی، به کارگیری دانش، انعطاف‌پذیری و برونقگری بر اقتصاد دانش‌بنیان تأثیر معنادار دارد. همچنین، اقتصاد دانش‌بنیان بر توسعه پایدار تأثیرگذار است.

کلمات کلیدی: اقتصاد مقاومتی، مدیریت دانش، معادلات ساختاری، بانک انصار

طبقه‌بندی JEL: E17,G01,G17,G21

مقدمه

اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده، با کمترین وابستگی به خارج از کشور در خصوص نیازهای اساسی و راهبردی است، در شرایطی که صادرات و واردات هیچ‌کدام برای آن کشور مجاز نیست. اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تأثیرها است و در شرایط آمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. همچنین برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تأکید گردد. در تعریف اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی نیاز است. با توجه به شرایط فعلی کشور و استفاده کشورهای دیگر از این ابزار تحریم‌های اقتصادی برای ضربه زدن به اقتصاد کشور توجه به اجرای درست راهبردهای اقتصاد مقاومتی بیش از پیش ضروری می‌نماید (هاشمی، ۱۳۹۷). در بیان مفهوم و اهداف اقتصاد مقاومتی می‌توان گفت این اقتصاد به دنبال راه حل مدیریت قبل از بحران است. با وجود تدابیر اندیشه شده در کشور، احتمال تکرار حوادث و بحران‌ها در سال‌های اخیر زیاد است؛ بنابراین تفکر اقتصاد مقاومتی نه تنها شرایط حال را مدنظر قرار می‌دهد بلکه به افق‌های دور دست نیز می‌اندیشد، به همین دلیل سیاست‌های اجرایی مرتبط با حوزه مدیریت بحران نیز باید از بالندگی و پویایی برخوردار باشند تا ظرفیت بازدارندگی کشور در مقابل تهدیدات نوظهور افزایش یابد تا بتواند برنامه‌های دشمنان را برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران با شکست روبرو کند. سازمان‌های فعال به‌منظور بقاء، حتی برای یک دهه، باید پیوسته تغییر کنند؛ اما تغییر به تنها یکی کافی نیست. تغییر باید مبتنی بر جمع‌آوری داده‌های مناسب از محیط خارجی و داخلی و تبدیل آن‌ها به دانش باشد (لی^۱، ۲۰۰۸). دانش و قابلیت‌های سازمانی اشکالی از دارایی‌های استراتژیک هستند که اهداف بلندمدت سازمان را از حیث رقابتی و اقتضایات محیطی ارتقاء می‌دهند و در محیط‌های پویا کاربرد استراتژیک دارند. تبدیل دانش ذهنی (ضم‌نی) به دانش ثبت شده رسمی (صریح)، یکی از اهداف کلیدی مدیریت دانش است که باعث کاهش ریسک از دست رفتن دانش با ارزش سازمان به‌واسطه‌ی افت کارکنان و نیز کاهش خطر از دست دادن حافظه‌ی سازمان به هنگام تعديل نیروی انسانی می‌شود. در این میان مدیریت دانش به تلاش‌هایی اشاره دارد که به طور نظاممند برای یافتن، ساماندهی و قابل دسترس نمودن سرمایه‌های نامشهود سازمان، تقویت فرهنگ یادگیری مستمر و تسهیم دانش در سازمان صورت می‌گیرد. بسیاری از سازمان‌ها با تمرکز بر مدیریت دانش و سرمایه‌گذاری گسترده در زمینه‌ی فن‌آوری اطلاعات به دنبال دسترسی به

¹ Li

مزایای حاصل از مدیریت دانش هستند (آنیسیمووا^۱، ۲۰۱۶). مدیریت صحیح منابع و امکانات موجود در کشور و در رأس آن مدیریت دانش و جریان اطلاعات در سطح ملی یکی از اساسی‌ترین عوامل در تحقق مفهوم اقتصاد مقاومتی است. ازین‌رو می‌توان راه بروز رفت از تحریم‌های اقتصادی را به‌کارگیری صحیح مفهوم مدیریت دانش در کشور در قالب مدیریت دارایی‌ها و سرمایه‌های فکری و به‌دبیل آن افزایش بهره‌وری در سازمان‌ها و انتقال و اشتراک دانش در کل سازمان‌ها و ارگان‌ها به‌منظور افزایش بهره‌وری و دستیابی به اقتصاد دانش‌محور دانست. در راستای تأکید بر بند دوم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در رابطه با مدیریت دانش، فراهم کردن بستر استفاده از مدیریت دانش نیازمند بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر آن و روش‌های ثبت، استفاده و تحلیل اطلاعات حاصله از آن است؛ و با جویا شدن نظر خبرگان در این زمینه دستیابی به مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش تأثیر بهسازی در پیاده‌سازی سیاست‌های مدیریت دانش می‌تواند داشته باشد. با توجه به اهمیت بانک‌ها در وضعیت اقتصادی هر کشور در این پروژه نگارنده با بررسی بندهای اقتصاد مقاومتی و ارتباط آن با مدیریت دانش در حوزه‌ی بانکی مدلی را شکل می‌دهد. با توجه به اینکه مفهوم اقتصاد مقاومتی طی چند سال اخیر مطرح شده است، پتانسیل بسیاری جهت اعمال و بررسی مفاهیم مختلف در ارتباط با آن وجود دارد؛ و با اینکه در راستای پیروی از فرمابنشات مقام معظم رهبری التزامی برای تحقیق و تفحص در این زمینه وجود دارد، بسیاری از مفاهیم از جمله مدیریت دانش در زمینه‌های بانکی آن‌گونه که می‌باشد مورد توجه قرار نگرفته‌اند. ازین‌رو هدف از انجام این پژوهش ارائه مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش در جهت تقویت اصول مقاومتی در بانک‌ها است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تعمیق و گسترش اقتصاد مقاومتی بدون درک درست و دقیق از پتانسیل‌های داخلی اقتصاد کشور و اتخاذ سیاست‌های سنجیده و بهینه در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله نظام بانکی قابل دست‌یابی نیست (حسین‌زاده و نباتی، ۱۳۹۷). اقتصاد مقاومتی در حقیقت اقتصادی را ترسیم می‌کند که توانایی مقابله با شوک‌های واردہ بر اقتصاد را دارد. این شوک‌های اقتصادی می‌تواند ناشی از عوامل درونی یا عوامل بیرونی اقتصاد باشد (هاشمی، ۱۳۹۷). بی‌شك هدف از اقتصاد مقاومتی، بازسازی و احیای اقتصاد ملی است (خالقی، ۱۳۹۵). در واقع اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل گرفته است تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های

^۱ Anisimova

گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه جانبی خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. در بحث اقتصاد مقاومتی چهار دیدگاه وجود دارد. اولین دیدگاه، اقتصاد موازی است. اقتصاد موازی به ایجاد نهادهای موازی با رویکرد انقلابی و جهادی اشاره دارد. دومین دیدگاه، اقتصاد ترمیمی است. این رویکرد در پی ساختارها و نهادهای فرسوده و ترمیم و خلل‌گیری، آسیب‌زایی، مقاوم‌سازی ناکارآمد اقتصادی است. سومین دیدگاه، اقتصاد دفاعی است. این اقتصاد به تدوین شیوه‌های برخورد پیش‌گیرنده در مقابل حملات اقتصادی دشمن اشاره دارد. چهارمین دیدگاه، اقتصاد الگو است. در این دیدگاه برخلاف دیدگاه‌های دیگر که اقتصاد مقاومتی را با دیدی کوتاه‌مدت بررسی می‌کردن؛ چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و اقتصاد مقاومتی را رویکردی بلندمدت می‌داند (فخرپور و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از مسائل مورد تأکید مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، توجه به مسائل اقتصادی کشور است. همچنین در ایران اسلامی که از سویی اقتصاد آن بر پایه پول استوار است، بازار پولی حدود ۶۰ درصد از آن و بازار سرمایه حدود یک سوم از سهم اقتصاد، را تشکیل می‌دهد؛ و از سویی دیگر از آن جایی که بانک و بانکداری به عنوان قلب پنده اقتصاد و جاری‌کننده خون در رگ‌های اقتصاد جامعه در حکومت اسلامی باید کاملاً منطبق با موازین اسلام اداره شود تا پایه و اساس اقتصاد اسلامی باشد، توجه به بانکداری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (حسینی و نیلچی، ۱۳۹۷).

اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که به طور مستقیم براساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. واژه‌ی اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد اطلاعات در دهه‌ی ۱۹۶۰ وارد ادبیات اقتصاد آمریکا شد اما تحولات دهه‌ی ۹۰ این واژه را تجدید و احیا نمود. هرچند سازمان اقتصادی همکاری و توسعه تلاش‌های زیادی برای شاخص‌سازی در زمینه‌ی اقتصاد دانش‌پایه انجام داد ولی تا سال ۱۹۹۵ به جمع‌بندی کاملی نرسید تا اینکه در همین سال برای اولین بار چارچوب مدونی از واژه اقتصاد دانش‌بنیان در قالب سند وزارتی کمیته سیاست‌گذاری علم و فناوری کانادا منتشر شد. این سند تعیین‌کننده جایگاه مدل‌های رشد و عملکرد ابداعات در اقتصاد بوده است. از این دهه به بعد تلاش‌های بسیار گسترده‌ای در گسترش، تقویت و تلفیق مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان انجام شد و مزهای اقتصاد دانش‌بنیان با اقتصاد تولیدمحور روشن گردید (اسمیت^۱، ۲۰۰۲). از این منظر اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که به طور مستقیم براساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. در اقتصاد دانش‌بنیان دانش محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمامی رشته فعالیت‌ها است. بر اساس این تعریف، اقتصاد دانش‌بنیان تنها به تعداد محدودی صنایع

^۱ Smith

مبتنی بر فناوری بسیار پیشرفته وایسته نیست؛ بلکه در این نوع اقتصاد، تمامی فعالیت‌های اقتصادی به شکلی بر دانش متکی است (داهلمن و اندرسون^۱، ۲۰۰۰). همچنین الزامات توسعه‌ی اقتصاد دانش‌بنیان تنها متکی به فناوری محض نبوده و دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی را در نیز در برمی‌گیرد (شعبانی و عبدالملکی، ۱۳۹۰).

دانش شامل حقایق و باورها، دیدگاهها و مفهومها، انتظارات و داوری‌ها، روش‌شناسی‌ها و دانستن چگونه‌ها است (فرناندز و ساپهروال^۲، ۲۰۱۴). همچنین دانش، وسیع‌تر و غنی‌تر از داده‌ها و اطلاعات است. دانش مجموعه‌ای سیان از علم، تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات جهت داده شده که در کی ایجاد کند و نگرش‌های کارشناسی نظام یافته است که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات، تجزیه و تحلیل رویدادها، اطلاعات جدید و نحوه روپردازی داده با وقایع به دست می‌دهد (هسیا و همکاران^۳، ۲۰۱۱). دانش اساسی ترین عنصر و یک منبع کلیدی استراتژیک برای دست‌یابی به دارایی‌ها و قابلیت‌های نامشهود سازمان‌ها بوده (کائو و زیانگ^۴، ۲۰۱۲) و اهمیت آن برای موفقیت سازمان به‌طور گسترده‌ای به رسمیت شناخته شده است (شروع و همکاران^۵، ۲۰۱۲)، به‌گونه‌ای که نقش آن به‌عنوان منبع اصلی ایجاد درآمد پایدار و خلق ارزش غیرقابل انکار شده است (کورتز و همکاران^۶، ۲۰۰۷). دانش به‌عنوان اساس و مهم‌ترین عامل رقابت مطرح شده است (وانگ و وو^۷، ۲۰۱۶).

نگرش دانش‌بنیان سازمان، توانایی به‌کارگیری دانش افراد برای انجام وظایف را مبنایی برای خلق مزیت رقابتی می‌داند (لیندنر و والد^۸، ۲۰۱۱). دست‌یابی به این مزیت از طریق مدیریت دانش امکان‌پذیر است (الزیات و همکاران^۹، ۲۰۱۰). مرکز بهره‌وری و کیفیت امریکا مدیریت دانش را به‌عنوان مجموعه‌ای نوظهور از استراتژی‌ها و رویکردها برای ایجاد، حفظ و استفاده از دارایی‌های دانشی تعریف نموده است که دانش را در زمان مناسب، در اختیار افراد مناسب قرار می‌دهد تا بتوانند از آن ارزش بیشتری برای سازمان ایجاد کنند (صالحی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۲). مدیریت دانش سازمانی، بسته‌ای نظام مند از فلسفه‌ی فکری، اهداف، استراتژی‌ها، زیرساخت‌ها، فرآیندها، و ساز و کارهای دانشی است که به‌منظور حداکثرسازی منافع و بهبود عملکرد کسب و کار، طراحی و اجرا

^۱ Dahlman & Anderson

^۲ Fernandez & Sabherwal

^۳ Hsiao et al.

^۴ Cao & Xiang

^۵ Schroeder et al.

^۶ Claver-Cortes et al.

^۷ Wang & Wu

^۸ Lindner & Wald

^۹ Al-Zayyat et al.

^{۱۰} Salehi et al.

می‌گردد (شامی زنجانی و نوری، ۱۳۹۴). بنابراین مدیریت دانش مجموعه فعالیتها، ابتکارها و استراتژی‌هایی است که شرکت‌ها برای تولید، ذخیره، انتقال و به‌کارگیری دانش بهمنظور بهبود عملکرد سازمانی به‌کار می‌برند (دوناته و دیپابلو^۱، ۲۰۱۵).

همچنان که گفته شد؛ در همه مدل‌ها یک چارچوب مشترک وجود دارد که درواقع از تجربیات گذشته استفاده کرده و مکانیزم‌های جدیدی را برای تولید و تبادل دانش به‌کار ببرد (کاکابادسه و همکاران^۲، ۲۰۰۳). بر این اساس، فرآیندهای مدیریت دانش سه مرحله عمدۀ خلق؛ تبادل و اشتراک و انتقال و کاربرد دانش را شامل می‌شود. فرآیند خلق دانش شامل چندین مرحله می‌شود که با جمع‌آوری دانش موجود شروع می‌شود و از مراحل کدگذاری و طبقه‌بندی دانش عبور می‌کند با فرآیندهای ذخیره‌سازی پایان می‌یابد. فرآیندهای خلق دانش در نتیجه دانش با ویژگی‌های مشابه که به هم مربوط گردیده و در یک گروه قرار دارند، است. این امر می‌تواند بر تشکیل یک پایگاه دانش مؤثر باشد که می‌تواند به عنوان یک نقطه محرك برای الهام خلاق باشد (نوناکا و تاگوچی^۳، ۱۹۹۵). خلق دانش فرآیندی بی‌پایان است که شامل خلق ایده‌های جدید، شناخت الگوهای تازه و ترکیب قواعد جدا از یکدیگر و ایجاد فرآیندهای جدید بهمنظور ایجاد و خلق دانش است. خلق دانش، فرآیندهایی است که مدیران و کارکنان برای انجام فعالیت‌های سازمان، دانش مورد نیاز خود را در داخل سازمان خلق و کشف می‌کنند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). حساس‌ترین مرحله انتقال و اشتراک دانش است، که طی آن یک سازمان، اطلاعات و دانش را میان افراد و پایگاه‌های دانش خود توزیع نموده و از این طریق یادگیری و کسب دانش خود را ارتقاء داده و دانش با درک جدیدی را به وجود می‌آورد. فرآیند به اشتراک‌گذاری دانش کلیدی بهمنظور افزایش انتقال و انتشار دانش است (بیاستی و هبا^۴، ۲۰۱۲). هدف غایی مدیریت دانش، کاربرد دانش برای بهبود عملکرد و فعالیت‌های سازمانی است. بسیاری از صاحب‌نظران این مرحله از مدیریت دانش را مهم‌ترین گام در فرآیند مدیریت دانش می‌دانند. کاربرد دانش و فرآیند نوآوری نشان‌دهنده مرحله تصمیم‌گیری است. هدف اساسی این مرحله برای تحقق بخشیدن به ارزش دانش و ایجاد ثروت جدید و انتقال فوری دانش به محل کار است (چن و خو^۵، ۲۰۰۹).

پس از بررسی مفاهیم نظری، در این بخش پژوهش‌های انجام شده در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد: حجازی نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر

¹ Donate & dePablo

² Kakabadse et al.

³ Nonaka & Takeuchi

⁴ Biasutti & Heba

⁵ Chen & Xu

موفقیت مدیریت دانش با رویکرد تحقق اقتصاد مقاومتی" به بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت سیستم‌های مدیریت دانش در شرایط اقتصاد مقاومتی بهمنظور کاهش عدم تقارن اطلاعات پرداختند. به این منظور پیمایشی با مشارکت ۱۰ نفر از متخصصین حوزه مدیریت دانش و اقتصاد انجام شد. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد متغیرهای مطرح شده به چهار گروه کلی عوامل اجتماعی، سازمانی، انسانی و فنی تقسیم‌بندی شدند. همچنین به‌طور کلی عوامل سازمانی بیشترین اهمیت و عوامل اجتماعی کمترین اهمیت را دارا هستند که در این بین عوامل انسانی و عوامل فنی قرار گرفتند. حسین‌پور و صدیقی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی" به بررسی پرداختند. به این منظور پیمایشی با مشارکت ۶۰ نفر از کارآفرینان و صنعت‌گران شهرستان هشت‌رود انجام شد. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی دارای رابطه مثبت و معنادار است. همچنین مدیریت جهادی، با فراگردهای اصلی احساس مسئولیت، رعایت تقوا، فرهنگ کاری و وجودن کاری، همبستگی بالاتری را با اقتصاد مقاومتی در مقایسه با مدیریت دانش از خود نشان داد. استیری (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر و نقش فناوری اطلاعات و توسعه مدیریت دانش بر اقتصاد مقاومتی" به بررسی پرداختند. به این منظور پیمایشی با مشارکت ۸۴ نفر از فعال اقتصادی بسیج سازندگی استان خراسان رضوی انجام شد. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد کاهش وابستگی به کشورهای بیگانه و توسعه اقتصادی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است که مؤلفه اشتراک دانش در مدیریت دانش، و همچنین فرآیندهای کسب اطلاعات در فناوری اطلاعات، بر تمامی مؤلفه‌های شش‌گانه اقتصاد مقاومتی (استفاده از ظرفیت‌ها، توسعه اقتصادی، حمایت از تولید ملی، اقتصاد دانش‌بنیان، مدیریت منابع طبیعی و کاهش وابستگی به کشورهای بیگانه) تأثیر بهسزایی دارد. بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی با عنوان ارائه مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش در جهت تقویت اصول مقاومتی در بانک‌ها صورت نگرفته است. با توجه به شواهد موجود، در مورد اهمیت نظری این پژوهش و کمبود پژوهش در این حوزه، می‌توان بر این نکته تأکید نمود که این پژوهش در این مقطع زمانی و مکانی خود یکی از اولین پژوهش‌هایی اندکی در مورد آن صورت گرفته است. به نظر می‌رسد انجام یک مطالعه در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین با بررسی بندهای اقتصاد مقاومتی مرتبط با مدیریت دانش در زمینه بانکی و استفاده از نظر خبرگان و اعمال نظر ایشان در این زمینه و در نهایت استفاده از نظر کارکنان می‌تواند ابعاد مختلف عنوان پژوهش را بررسی نماید. با توجه به کثرت مؤلفه‌های مستخرج شده، از میان مؤلفه‌های مدیریت دانش در شرایط اقتصاد مقاومتی، ۹

گروه کلی تولید دانش، اشتراک دانش، به کارگیری دانش، بروندگری، درونزایی، اقتصاد دانشبنیان، توجه به سرمایه‌های انسانی، توسعه پایدار و انعطاف‌پذیری برای انجام گام اصلی پژوهش انتخاب گردیدند.

جدول ۱. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مدل

منبع	شاخص‌های تأثیرگذار بر مدل	مفهومها	ردیف
نوناکا و تاکوچی (۱۹۹۵)	یادگیری از اشتباہات	تولید دانش	۱
	تولید ایده خلاقانه و نوآورانه		۲
	توجه به نظریه‌ها و ایده‌های جدید		۳
	سامانه مدیریت ایده همچون نظام پیشنهادات و اتاق فکر		۴
	پرورش دانش (تبديل دانش ضمنی به دانش آشکار)		۵
	سیستم‌های اطلاعاتی		۶
	چشم‌انداز و استراتژی حوزه دانش		۷
نوناکا و تاکوچی (۱۹۹۵)	تسهیم دانش و تجربیات افراد با همکاران	اشتراک دانش	۸
	تشویش کارکنان در تسهیم و به اشتراک‌گذاری دانش		۹
	امکانات حوزه دانش		۱۰
	کارتیمی		۱۱
	اعتماد بین اعضاء		۱۲
	تبادل نظر اعضا		۱۳
نوناکا و تاکوچی (۱۹۹۵)	به کارگیری تجارب پیشین	به کارگیری دانش	۱۴
	حلقه‌های بازخورد بین رفتار کارکنان و نتایج آن در سازمان		۱۵
	بهره‌مندی از دانش		۱۶
	شناسایی و حفظ کارکنان کلیدی		۱۷
	استفاده از دانش در تصمیم‌گیری		۱۸
بریگلیو و پیکینینو (۲۰۰۹)	صادرات خدمات بانکی به خارج از کشور	برونزگری	۱۹
	حمایت از صنایع صادراتی		۲۰
سیف (۱۳۹۲) تاری و کاویانی (۱۳۹۲) میرمعزی (۱۳۹۱)	کاهش واردات تکنولوژی‌های بانکی (سخت‌افزار و نرم‌افزار)	درونزایی	۲۱
	حمایت از صنایع داخلی		۲۲
	مدیریت نقدینگی		۲۳
	افزایش بهره‌وری اقتصادی		۲۴

منبع	شاخص‌های تأثیرگذار بر مدل	مقوله‌ها	ردیف
مدیکا و رگیانی (۲۰۱۵) اشبی و همکاران (۲۰۰۸) فشاری (۱۳۹۳) وثوقی و مرادی (۱۳۹۱)	صرف کالای ایرانی	اقتصاد دانش‌بنیان	۲۵
	کارآفرینی و توجه به آن		۲۶
	بازار دارایی فکری		۲۷
	استفاده از فناوری‌های نوین		۲۸
	توجه به نخبگان و خبرگان دانشی		۲۹
	نوآوری و شکوفایی		۳۰
بریگلیو و پیکینینو (۲۰۰۹) فشارکی و پورعبدی (۱۳۹۳) جهرمی و همکاران (۱۳۹۲) میرمعزی (۱۳۹۱)	توجه به تقویت و تحکیم ارتباطات درون و مابین گروهی (سرمایه اجتماعی)	توجه به سرمایه‌های انسانی	۳۱
	عدالت‌محوری		۳۲
	استفاده از ظرفیت‌های ملی		۳۳
	اشغال‌زایی		۳۴
	نظرارت و ارزشیابی مناسب در تمامی سطوح		۳۵
	صرفه‌جویی در منابع و اصلاح الگوی صرف		۳۶
دولت آبادی (۲۰۱۵) پانت و همکاران (۲۰۱۴) دالگلاس (۲۰۱۳) قینتان و همکاران (۲۰۱۱) اسدی (۱۳۹۳) حسین‌زاده بحرینی (۱۳۹۲)	استفاده مناسب از ذخایر نفت و گاز	توسعه پایدار	۳۷
	حکمرانی مطلوب یا سیستم مدیریتی مطلوب		۳۸
	افزایش تولید منابع انرژی تجدیدپذیر		۳۹
	کنترل تورم		۴۰
	مبارزه با فساد اقتصادی همچون پارتی‌بازی و رانت اداری		۴۱
	بهینه‌سازی سیستم بانکی و مدیریت صحیح منابع مالی و ارزی		۴۲
خانباشی (۱۳۹۳) هزاؤی و زیرکی حیدری (۱۳۹۳) فشاری (۱۳۹۳) باقری و تقی (۱۳۹۳)	استفاده بهینه از امکانات و تجهیزات	اعطاف‌پذیری	۴۳
	برنامه‌ریزی هدفمند و پرهیز از توجه به مسائل حاشیه‌ای		۴۴
	جذب سپرده		۴۵
	مدیریت رسک اعتباری		۴۶
	استفاده از تکنولوژی‌های به روز		۴۷
	کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در دوران رکود		۴۸
	مدیریت مناسب در مواجهه با بحران‌های اقتصادی		۴۹
	اصلاح ساختار دولتی و بانکی		۵۰

منبع: یافته‌های پژوهش

ازین رو فرضیه‌های پژوهش تدوین گردیده و در قسمت زیر ارائه شده است.

فرضیه اول: بین مؤلفه‌های درون‌زایی و توجه به سرمایه انسانی رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه دوم: بین مؤلفه‌های توجه به سرمایه و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه سوم: بین مؤلفه درون‌زایی و تولید دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه چهارم: بین مؤلفه تولید دانش و به کارگیری دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه پنجم: بین مؤلفه به کارگیری دانش و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه ششم: بین مؤلفه تولید دانش و اشتراک دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

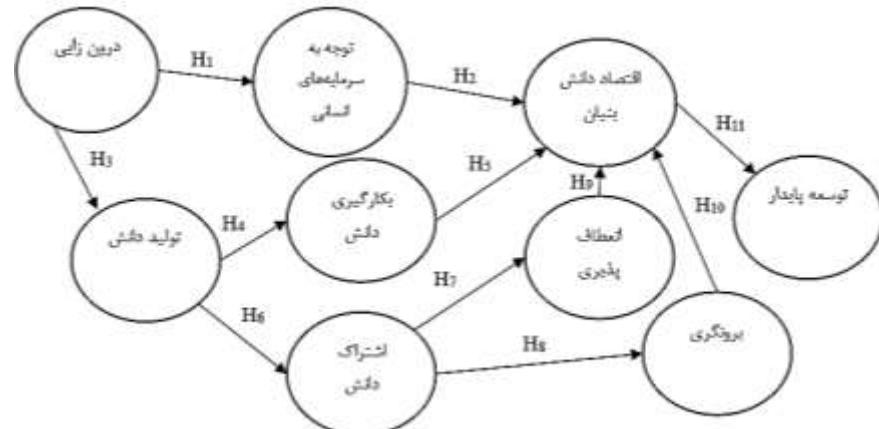
فرضیه هفتم: بین مؤلفه‌های اشتراک دانش و انعطاف‌پذیری رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه هشتم: بین مؤلفه اشتراک دانش و برونو نگری رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه نهم: بین مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه دهم: بین مؤلفه‌های برونو نگری و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه یازدهم: بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار رابطه مثبت و معناداری برقرار است. مدل مفهومی پژوهش در شکل شماره ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل و چارچوب مفهومی پژوهش (محقق ساخته)

منبع: یافته‌های پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی است. استراتژی پژوهش، از نوع پیمایش بوده است که با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی همزمان روابط بین متغیرهای پژوهش پرداخته است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران، مسئولان و سرپرستان شعب مختلف بانک انصار در سطح شهر تهران بوده است. تعداد ۹۷ نمونه به روش نمونه‌گیری خوشای انتخاب شد. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای برای مرواریدیات پژوهش و روش میدانی (توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه) انجام گرفت. پرسشنامه‌ها در شعب بانک انصار به صورت حضوری توزیع گردید. برای گردآوری داده‌های پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته‌ای شامل ۵۰ سؤال بسته پاسخ پنجم ارزشی استفاده شد. همچنین چهار سؤال برای سنجش متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنسیت، سن، تحصیلات و میزان تجربه فعالیت) تدوین شد. برای سنجش و تأیید روایی پرسشنامه حاضر روایی محتوا، روایی سازه و روایی همگرا بررسی شد، به منظور روایی محتوا تعدادی پرسشنامه بین اساتید دانشگاهی و افراد خبره توزیع شد و از منطقی بودن، قابل فهم بودن سؤالات و تناسب متغیرها اطمینان حاصل شد و همین‌طور از نظرات خبرگان جهت بهبود پرسش‌های پرسشنامه استفاده شد. به منظور روایی سازه از تحلیل عاملی در حالت مدل اندازه‌گیری استفاده گردید. همه گوییه‌ها به جز گوییه شماره ۲۱، ۴۵ و ۴۷ دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۵ بوده‌اند؛ لذا این گوییه‌ها حذف و مجدد تحلیل عاملی در حالت مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت که همه گوییه‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۵ بوده‌اند؛ نتایج در جدول شماره ۲ ارائه شده

است. همچنین، بهمنظور روایی همگرا، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و پایایی مرکب (CR) محاسبه شد. شاخص پایایی مرکب بر طبق نظر بایرن (۲۰۱۳) باید بالاتر از ۰/۷ باشد، تا اعتبار سازه بالا باشد و بین ۰/۶ تا ۰/۷ قابل قبول است. همچنین، میانگین واریانس استخراج شده نیز در صورتی که بالاتر از ۰/۵ باشد اعتبار سازه بالا است و بین ۰/۴ تا ۰/۵ مورد قبول است و شرط دیگر آن بزرگ‌تر بودن پایایی مرکب از میانگین واریانس استخراج شده است که نتایج در جدول شماره ۳ ارائه شده است. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، این ضریب برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۵۲ بوده است و برای هر یک از متغیرهای پژوهش به صورت مجزا محاسبه شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است. همان‌طور که نتایج ضریب آلفای کرونباخ نشان می‌دهد، پرسشنامه مورد نظر از پایایی مناسبی برخوردار است. بهمنظور بررسی داده‌های پژوهش و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار آماری اسمرت پیالس استفاده شده است. در این پژوهش در مرحله اول از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، برای آزمون فرضیه‌ها موجود با استفاده از آزمون کای-دو تک نمونه‌ای (مجذور کای تک متغیره)، همچنین از آنالیز رگرسیون و واریانس برای به دست آوردن روابط بین متغیرها و میزان تأثیر آن‌ها بر یکدیگر استفاده گردید.

جدول ۲. بار عاملی گویه‌های پژوهش

بار عاملی	شماره گویه						
۰/۶۲۳	۴۰	۰/۷۳۶	۲۷	۰/۶۵۴	۱۴	۰/۶۴۳	۱
۰/۷۲۸	۴۱	۰/۶۰۶	۲۸	۰/۶۰۴	۱۵	۰/۷۸۳	۲
۰/۶۸۴	۴۲	۰/۸۰۸	۲۹	۰/۷۹۶	۱۶	۰/۸۹۳	۳
۰/۸۵۴	۴۳	۰/۸۴۲	۳۰	۰/۸۸۰	۱۷	۰/۶۷۱	۴
۰/۸۹۰	۴۴	۰/۷۹۴	۳۱	۰/۹۴۸	۱۸	۰/۶۵۴	۵
حذف	۴۵	۰/۷۵۶	۳۲	۰/۷۸۰	۱۹	۰/۷۶۰	۶
۰/۶۴۳	۴۶	۰/۶۹۶	۳۳	۰/۸۵۸	۲۰	۰/۶۵۸	۷
حذف	۴۷	۰/۸۲۸	۳۴	حذف	۲۱	۰/۸۸۷	۸
۰/۸۸۷	۴۸	۰/۷۸۰	۳۵	۰/۸۷۳	۲۲	۰/۷۷۱	۹
۰/۷۷۱	۴۹	۰/۹۵۲	۳۶	۰/۹۰۲	۲۳	۰/۶۶۱	۱۰
۰/۶۶۱	۵۰	۰/۶۳۸	۳۷	۰/۶۱۵	۲۴	۰/۶۷۴	۱۱
		۰/۸۲۷	۳۸	۰/۷۴۹	۲۵	۰/۸۲۶	۱۲
		۰/۸۶۲	۳۹	۰/۶۵۷	۲۶	۰/۶۱۲	۱۳

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. آلفای کرونباخ و روایی همگرا

تعداد گوییده‌ها	AVE	CR	آلفای کرونباخ	متغیر
۷	۰/۵۴۴	۰,۷۷۶	۰/۷۸۴	تولید دانش
۴	۰/۵۶۲	۰,۷۴۶	۰/۷۵۷	اشتراك دانش
۵	۰/۶۳۹	۰,۷۲۲	۰/۷۰۰	به کار گیری دانش
۲	۰/۸۳۶	۰,۸۱۱	۰/۷۹۵	برون نگری
۳	۰/۷۰۲	۰,۷۸۸	۰/۷۵۰	درون زایی
۵	۰/۵۰۴	۰,۷۳۱	۰/۷۱۴	اقتصاد دانش بنیان
۴	۰/۵۸۹	۰,۷۶۱	۰/۷۶۶	توجه به سرمایه انسانی
۷	۰/۵۷۰	۰,۸۶۷	۰/۸۴۰	توسعه پایدار
۶	۰/۵۶۸	۰,۸۳۹	۰/۸۳۵	انعطاف پذیری
۴۷			۰,۹۵۲	مجموع

منبع: یافته‌های پژوهش

تحقیق روایی و اگرا نشان می‌دهد که سازه منحصر به فرد است و پدیده احاطه شده به وسیله سایر سازه‌های مدل نشان داده نمی‌شود. این روایی توسط معیار فورنل-لاکر بررسی می‌شود. همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر مؤلفه‌ها روی قطر اصلی همگی از همبستگی این سازه‌ها با سایر متغیرهای مکنون در مدل بالاتر است.

جدول ۴. ماتریس سنجش روابی و آگرا به روش معیار فورنل-لارکر

انعطاف پذیری	توسعه پایدار	توجه به سرمایه انسانی	اقتصاد دانش بنیان	درون زایی	برون نگری	به کارگیری دانش	اشتراک دانش	تولید دانش	
								۰/۶۶۴	تولید دانش
							۰/۶۸۰	۰/۵۶۲	اشتراک دانش
						۰/۶۲۴	۰/۴۷۲	۰/۳۵۷	به کارگیری دانش
					۰/۹۱۴	۰/۲۳۵	۰/۷۰۶	۰/۴۳۵	برون نگری
				۰/۸۳۸	۰/۱۷۹	۰/۷۱۵	۰/۵۲۷	۰/۳۸۶	درون زایی
			۰/۷۱۰	۰/۸۷۰	۰/۴۲۱	۰/۸۱۵	۰/۶۵۰	۰/۳۸۳	اقتصاد دانش بنیان
		۰/۷۶۸	۰/۷۷۶	۰/۸۶۰	۰/۴۳۲	۰/۶۳۲	۰/۶۹۰	۰/۲۶۳	توجه به سرمایه انسانی
۰/۷۵۵	۰/۷۵۵	۰/۷۶۸	۰/۸۰۴	۰/۷۴۱	۰/۵۳۳	۰/۶۰۶	۰/۷۳۰	۰/۲۲۹	توسعه پایدار
۰/۷۵۴	۰/۷۷۶	۰/۷۳۲	۰/۷۵۹	۰/۸۵۶	۰/۳۱۷	۰/۵۷۶	۰/۵۱۵	۰/۴۳۸	انعطاف پذیری

منبع: یافته‌های پژوهش

در این قسمت یافته‌های پژوهش ارائه شده است. به این منظور ابتدا یافته‌های توصیفی مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضا نمونه آماری و سپس نیز یافته‌های اصلی پژوهش ارائه شده است.

جدول ۵. ویژگی‌های جمعیت شناختی اعضای نمونه آماری

متغیر	گروه	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۷۶	۷۸,۴
	زن	۲۱	۲۱,۶
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۱۳	۱۲,۴
	۲۶ تا ۳۰ سال	۴۹	۵۰,۵
تحصیلات	۳۱ تا ۳۵ سال	۱۴	۱۴,۵
	۳۵ سال و بالاتر	۲۱	۲۱,۶
میزان تجربه فعالیت	کاردادی و پایین تر	۹	۹,۳
	کارشناسی	۵۵	۵۶,۷
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۳۳	۳۴
	۵ سال و کمتر	۵۵	۵۶,۸
	۶ تا ۱۰ سال	۲۱	۲۱,۶
	بیشتر از ۱۰ سال	۲۱	۲۱,۶

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون کولمگروف اسپرینوف برای داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سطح معناداری برای داده‌ها برابر است صفر و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، فرض صفر رد شده و توزیع داده‌ها نرمال ناست. نتایج آزمون کولمگروف- اسپرینوف برای متغیرها در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون کولمگروف- اسپرینوف برای متغیرها

شماره گویه	آماره آماره	سطح معناداری	درجه آزادی آزادی	شماره گویه	آماره آماره	سطح معناداری	درجه آزادی آزادی	شماره گویه
۱	۰,۴۱۲	...	۹۷	۲۶	۰,۲۵۹	...	۹۷	۰,۰۰۰
۲	۰,۲۱۱	...	۹۷	۲۷	۰,۳۸۲	...	۹۷	۰,۰۰۰
۳	۰,۳۶۱	...	۹۷	۲۸	۰,۲۰۷	...	۹۷	۰,۰۰۰
۴	۰,۳۱۶	...	۹۷	۲۹	۰,۳۱۹	...	۹۷	۰,۰۰۰
۵	۰,۳۷۰	...	۹۷	۳۰	۰,۳۸۰	...	۹۷	۰,۰۰۰
۶	۰,۳۳۱	...	۹۷	۳۱	۰,۲۸۳	...	۹۷	۰,۰۰۰
۷	۰,۳۲۱	...	۹۷	۳۲	۰,۲۶۴	...	۹۷	۰,۰۰۰
۸	۰,۲۷۵	...	۹۷	۳۳	۰,۱۸۴	...	۹۷	۰,۰۰۰

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره	شماره گویه	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره	شماره گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۱۵	۳۴ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۲۶	۹ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۳۲۱	۳۵ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۳۹۳	۱۰ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۶۷	۳۶ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۳۳۵	۱۱ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۱۰	۳۷ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۴۸۸	۱۲ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۳۸۸	۳۸ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۸۳	۱۳ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۵۷	۳۹ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۲۸	۱۴ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۴۰۰	۴۰ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۵۸	۱۵ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۷۳	۴۱ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۳۰۸	۱۶ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۸۵	۴۲ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۱۷	۱۷ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۳۳۹	۴۳ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۷۰	۱۸ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۱۸۸	۴۴ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۳۰۰	۱۹ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۸۵	۴۶ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۹۵	۲۰ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۹۹	۴۸ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۸۵	۲۲ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۴۴	۴۹ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۵۸	۲۳ گویه
۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۱۸	۵۰ گویه	۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۶۹	۲۴ گویه
				۰,۰۰۰	۹۷	۰,۲۶۷	۲۵ گویه

منبع: یافته‌های پژوهش

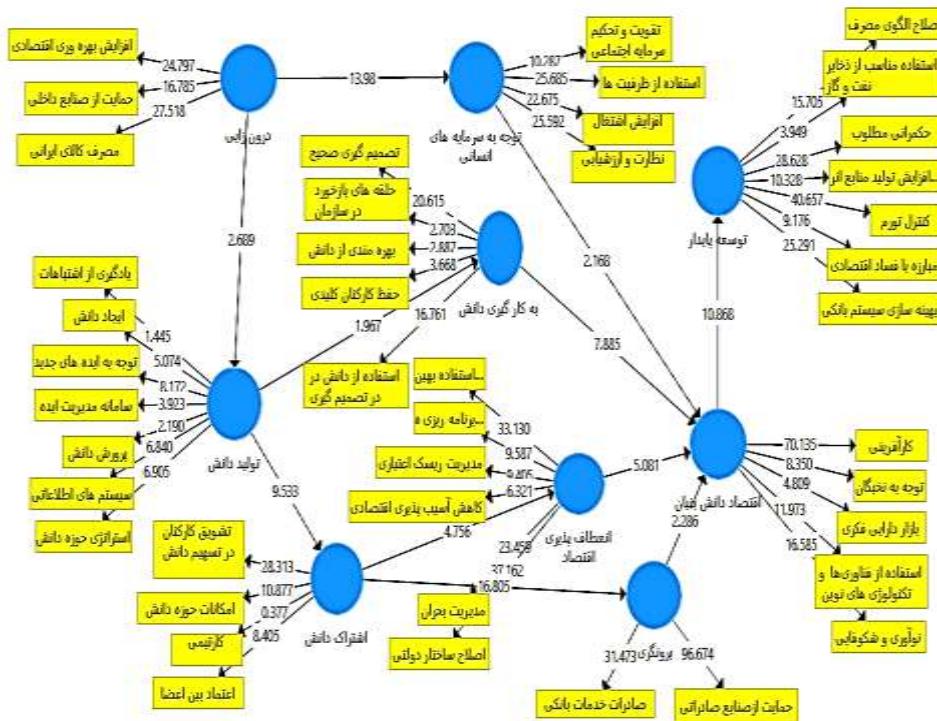
در پژوهش حاضر برای تعیین تأثیرگذاری مؤلفه‌ها بر مدل از آزمون دوچمله‌ای استفاده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقوله‌هایی که آماره آن‌ها بیشتر از $0/05$ است، بر مدل تأثیرگذار نیستند؛ بنابراین گویه‌های ۸، ۱۳، ۲۳ و ۳۲ به ترتیب با سطح معناداری $۰,۲۲۳$ ، $۰,۲۲۳$ ، $۰,۰۰۰$ و $۰,۳۱۳$ بر مدل تأثیرگذار نبوده و فرض برای آنها تأیید می‌شود. در نتیجه از محاسبات مدل حذف می‌شوند. نتایج آزمون دوچمله‌ای در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون دوچمله‌ای

سطح معناداری	احتمال مشاهد شده	فراآنی مشاهد شده	گروه ۱	شمار ۵ گویه	سطح معناداری	احتمال مشاهد شده	فراآنی مشاهد شده	گروه ۱	شمار ۵ گویه
...,...	0,۷۸	۷۶	۱ گروه	گویه ۲۶	...,...	0,۶۴	۶۲	۱ گروه	گویه ۱
	0,۲۲	۲۱	۲ گروه	۰,۳۶		۳۵	۲ گروه	۰,۳۶	۲ گروه
...,...	0,۸۶	۸۳	۱ گروه	گویه ۲۷	...,...	0,۸۶	۸۳	۱ گروه	گویه ۲
	0,۱۴	۱۴	۲ گروه	۰,۱۴		۱۴	۲ گروه	۰,۱۴	۲ گروه
...,...	0,۷۱	۶۹	۱ گروه	گویه ۲۸	...,...	0,۹۳	۹۰	۱ گروه	گویه ۳
	0,۲۹	۲۸	۲ گروه	۰,۰۷		۷	۲ گروه	۰,۰۷	۲ گروه
...,...	0,۷۶	۷۴	۱ گروه	گویه ۲۹	...,...	0,۹۳	۹۰	۱ گروه	گویه ۴
	0,۲۴	۲۳	۲ گروه	۰,۰۷		۷	۲ گروه	۰,۰۷	۲ گروه
...,...	1,۰۰	۹۷	۱ گروه	گویه ۳۰	...,...	0,۹۳	۹۰	۱ گروه	گویه ۵
						۰,۰۷	۷	۲ گروه	۰,۰۷
...,...	0,۸۷	۸۴	۱ گروه	گویه ۳۱	...,...	0,۸۶	۸۳	۱ گروه	گویه ۶
	0,۱۳	۱۳	۲ گروه	۰,۱۴		۱۴	۲ گروه	۰,۱۴	۲ گروه
...,۳۱۳	0,۵۹	۵۷	۱ گروه	گویه ۳۲	...,...	0,۸۶	۸۳	۱ گروه	گویه ۷
	0,۴۱	۴۰	۲ گروه	۰,۱۴		۱۴	۲ گروه	۰,۱۴	۲ گروه
...,...	0,۸۶	۸۳	۱ گروه	گویه ۳۳	...,۲۲۳	0,۵۷	۵۵	۱ گروه	گویه ۸
	0,۱۴	۱۴	۲ گروه	۰,۴۳		۴۲	۲ گروه	۰,۴۳	۲ گروه
...,...	0,۷۸	۷۶	۱ گروه	گویه ۳۴	...,...	0,۶۴	۶۲	۱ گروه	گویه ۹
	0,۲۲	۲۱	۲ گروه	۰,۳۶		۳۵	۲ گروه	۰,۳۶	۲ گروه
...,...	0,۷۱	۶۹	۱ گروه	گویه ۳۵	...,...	0,۹۳	۹۰	۱ گروه	گویه ۱۰
	0,۲۹	۲۸	۲ گروه	۰,۰۷		۷	۲ گروه	۰,۰۷	۲ گروه
...,...	0,۵۹	۵۸	۱ گروه	گویه ۳۶	...,...	0,۸۶	۸۳	۱ گروه	گویه ۱۱
	0,۳۱	۳۹	۲ گروه	۰,۱۴		۱۴	۲ گروه	۰,۱۴	۲ گروه
...,...	0,۶۹	۶۷	۱ گروه	گویه ۳۷	...,...	1,۰۰	۹۷	۱ گروه	گویه ۱۲
	0,۳۱	۳۰	۲ گروه	۰,۴۳					
...,...	0,۸۶	۸۳	۱ گروه	گویه ۳۸	...,۲۲۳	0,۵۷	۵۵	۱ گروه	گویه ۱۳
	0,۱۴	۱۴	۲ گروه	۰,۴۳		۴۲	۲ گروه	۰,۴۳	۲ گروه
...,...	0,۶۷	۶۵	۱ گروه	گویه ۳۹	...,...	0,۷۸	۷۶	۱ گروه	گویه ۱۴
	0,۳۳	۳۲	۲ گروه	۰,۲۲		۲۱	۲ گروه	۰,۲۲	۲ گروه
...,...	1,۰۰	۹۷	۱ گروه	گویه	...,...	0,۷۱	۶۹	۱ گروه	گویه

				۴۰		۰,۲۹	۲۸	۲ گروه	۱۵
۰,۰۰۰	۰,۵۷	۵۵	۱ گروه	گویه	۰,۰۰۰	۰,۷۱	۶۹	۱ گروه	گویه
	۰,۴۳	۴۲	۲ گروه	۴۱		۰,۲۹	۲۸	۲ گروه	۱۶
۰,۰۰۰	۰,۷۸	۷۶	۱ گروه	گویه	۰,۰۰۰	۰,۷۱	۶۹	۱ گروه	گویه
	۰,۲۲	۲۱	۲ گروه	۴۲		۰,۲۹	۲۸	۲ گروه	۱۷
۰,۰۰۰	۰,۳۵	۳۴	۱ گروه	گویه	۰,۰۰۰	۰,۸۶	۸۳	۱ گروه	گویه
	۰,۶۵	۶۳	۲ گروه	۴۳		۰,۱۴	۱۴	۲ گروه	۱۸
۰,۰۰۰	۰,۷۱	۶۹	۱ گروه	گویه	۰,۰۰۰	۱,۰۰	۹۷	۱ گروه	گویه
	۰,۲۹	۲۸	۲ گروه	۴۴					۱۹
۰,۰۰۰	۰,۷۸	۷۶	۱ گروه	گویه	۰,۰۰۰	۰,۸۷	۸۴	۱ گروه	گویه
	۰,۲۲	۲۱	۲ گروه	۴۶		۰,۱۳	۱۳	۲ گروه	۲۰
۰,۰۰۰	۰,۸۶	۸۳	۱ گروه	گویه	۰,۰۰۰	۰,۸۶	۸۳	۱ گروه	گویه
	۰,۱۴	۱۴	۲ گروه	۴۸		۰,۱۴	۱۴	۲ گروه	۲۲
۰,۰۰۰	۰,۷۸	۷۶	۱ گروه	گویه	۱,۰۰۰	۰,۴۹	۴۸	۱ گروه	گویه
	۰,۲۲	۲۱	۲ گروه	۴۹		۰,۵۱	۴۹	۲ گروه	۲۳
۰,۰۰۰	۰,۶۴	۶۲	۱ گروه	گویه	۰,۰۰۰	۰,۸۴	۸۱	۱ گروه	گویه
	۰,۳۶	۳۵	۲ گروه	۵۰		۰,۱۶	۱۶	۲ گروه	۲۴
					۰,۰۰۰	۰,۷۸	۷۶	۱ گروه	گویه
						۰,۲۲	۲۱	۲ گروه	۲۵

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۲. تحلیل عاملی تأییدی، مدل اندازه‌گیری و ساختاری به همراه مقادیر ضرایب معناداری

منبع: یافته‌های پژوهش

مدل مفهومی از روش مدل سازی معادلات ساختاری و با نرم‌افزار اس‌مارت پی‌ال‌اس سنجیده شده‌اند. شکل ۲، مدل متفاوت پژوهش را در حالت قدر مطلق ضرایب معناداری نشان می‌دهد. در واقع، این مدل تمامی معادلات اندازه‌گیری (بارهای عاملی) و معادلات ساختاری (ضرایب مسیر) را با استفاده از آماره t ، آزمون می‌کند. طبق این مدل اگر مقدار آماره t برای مسیرها بزرگتر از ۱.۹۶ شود، ضریب مسیر و بار عاملی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است و اگر مقدار آماره t برای مسیرها کمتر از ۱.۹۶ باشد، در نتیجه بار عاملی یا ضریب مسیر معنادار نیست. همچنین اگر مقدار آماره t بیشتر از ۲.۵۸ شود، در این صورت ضریب مسیر و بار عاملی در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است. شاخص‌های برازش مدل، یکی از مهم‌ترین مراحل در تحلیل مدل سازی معادلات ساختاری است. این شاخص‌ها برای پاسخ‌بدین پرسشن است که آیا مدل بازنمایی شده داده‌ها، مدل مفهومی پژوهش را تأیید می‌کند؟ برای بررسی برازش مدل اندازه‌گیری و سازگاری درونی گویه‌های سنجش،

باید به ضرایبی چون ضریب آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و میانگین واریانس استخراج شده دقت کرد که داده‌های مربوطه در جدول شماره ۲ ارائه شده است. شاخصی که برای ارزیابی کلی مدل ساختاری در نرمافزار پیال اس از آن استفاده می‌شود؛ شاخص GOF است. این شاخص با گرفتن ریشه مجذور از متوسط اشتراک برای همه سازه‌ها و متوسط R2 مربوط به سازه‌های دورنزا محاسبه می‌شود. بر مبنای اندازه مشخص شده از R2 و با استفاده از ارزش حداقلی ۰,۵ برای میزان اشتراک، معیار GOF با توجه به نمونه، مقدار ۰,۲۵ پذیرفتی است و مقادیر بالاتر از ۰,۳۶ بیانگر برآش قوی مدل است (Wetzels et al., 2009). مقدار محاسبه شده GOF برای مدل پژوهش، ۰,۵۲ است که بر برآش بسیار بالای مدل دلالت دارد.

اکنون پس از استخراج تحلیل عاملی تأییدی، می‌توان به آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش پرداخت. فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های درون‌زایی و توجه به سرمایه انسانی در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۱۳,۹۸ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۸۶ است. فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های توجه به سرمایه و اقتصاد دانش‌بنیان در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۲,۱۶ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۱۹ است. فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه درون‌زایی و تولید دانش در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۰,۳۸۶ است. فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه تولید دانش و به کارگیری دانش در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۱,۹۶ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۳۵۷ است. فرضیه پنجم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه به کارگیری دانش و اقتصاد دانش‌بنیان در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۰,۴۹۴ است. فرضیه ششم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه تولید دانش و اشتراک دانش در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۰,۹۵۳ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه هفتم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های اشتراک دانش و انعطاف‌پذیری در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۰,۷۵ است که

نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۵۱۵ است. فرضیه هشتم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه اشتراک دانش و بروزنگری در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۰,۱۶۸ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۷۰۶ است. فرضیه نهم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری و اقتصاد دانش‌بنیان در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۰,۵۰۸ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۷۹۰ است. فرضیه دهم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های بروزنگری و اقتصاد دانش‌بنیان در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۰,۲۲۸ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۱۲۹ است. فرضیه یازدهم پژوهش بیان می‌کند که بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ ضریب این فرضیه در حالت آزمون معناداری ۰,۸۶۰ است که نشان‌دهنده تأیید فرضیه است. همچنین، ضریب مسیر این فرضیه ۰,۸۰۴ است. در جدول شماره ۸ خلاصه نتایج فرضیه‌ها ارائه شده است.

جدول ۸. نتایج حاصل از یافته‌های مدل ساختاری پژوهش

شماره فرضیه	فرضیات مدل مفهومی	ضریب مسیر	خطای استاندارد	مقدار T-Value	مقدار P-Value	نتیجه
۱	درون زایی -> توجه به سرمایه‌های انسانی	۰,۸۶۰	۰/۰۲۱	۱۳/۹۸	۰/۰۰۰	تأثید
۲	توجه به سرمایه‌های انسانی -> اقتصاد دانش‌بنیان	۰,۱۹۶	۰/۰۹۰	۲/۱۶	۰/۰۰۰	تأثید
۳	درون زایی -> تولید دانش	۰,۳۸۶	۰/۱۴۴	۲/۸۶	۰/۰۰۰	تأثید
۴	تولید دانش -> بکارگیری دانش	۰,۳۵۷	۰/۱۸۱	۱/۹۶	۰/۰۰۰	تأثید
۵	بکارگیری دانش -> اقتصاد دانش‌بنیان	۰,۴۹۴	۰/۰۶۳	۷/۸۸	۰/۰۰۰	تأثید
۶	تولید دانش -> اشتراک دانش	۰,۵۶۲	۰/۰۵۹	۹/۵۳	۰/۰۰۰	تأثید

تأیید	۰/۰۰۰	۴/۷۵	۰/۲۳۸	۰,۵۱۵	اشتراك دانش -> انعطاف پذيری اقتصادي	۷
تأیید	۰/۰۰۰	۱۶/۸۰	۰/۰۴۲	۰,۷۰۶	اشتراك دانش -> بروزنگری	۸
تأیید	۰/۰۰۰	۵/۰۸	۰/۰۶۰	۰,۷۹۰	انعطاف پذيری اقتصادي -> اقتصاد دانشبنيان	۹
تأیید	۰/۰۰۰	۲/۲۸	۰/۰۵۶	۰,۱۲۹	برونگری -> اقتصاد دانشبنيان	۱۰
تأیید	۰/۰۰۰	۱۰/۸۶	۰/۰۲۵	۰,۸۰۴	اقتصاد دانشبنيان-> توسعه پايدار	۱۱

منبع: یافتههای پژوهش

ضریب تعیین، میزان تبیین واریانس یا تغییرات متغیر وابسته توسط مجموعه متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد، که در جدول شماره ۹ ارائه شده است.

جدول ۹. ضرایب تعیین متغیرهای مدل

ضریب تعیین	متغیر
۰/۲۴۹	تولید دانش
۰/۳۰۸	اشتراك دانش
۰/۲۱۸	به کارگیری دانش
۰/۴۹۴	برون نگری
۰/۲۵۶	درون زایی
۰/۸۲۲	اقتصاد دانش بنیان
۰/۷۳۷	توجه به سرمایه انسانی
۰/۶۴۳	توسعه پایدار
۰/۲۵۸	انعطاف پذیری

منبع: یافته های پژوهش

نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر ارائه مدلی پویا جهت بررسی عوامل کلیدی مدیریت دانش در جهت تقویت اصول مقاومتی در بانک ها است. نتیجه حاصل از فرضیه اول پژوهش بیان می کند بین مؤلفه های درون زایی و توجه به سرمایه انسانی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. اگر در بانک انصار به منابع انسانی توجه شود و منابع انسانی را در مسائل مشارکت داد در نهایت نیروی انسانی در صحنه محکم تر از همیشه حاضر خواهد شد و از دانش و توان خود استفاده به عمل خواهد آورد که مسئله تأثیر بسیار قابل توجهی بر درون زایی خواهد گذاشت. نتیجه حاصل از فرضیه دوم پژوهش بیان می کند بین مؤلفه های توجه به سرمایه و اقتصاد دانش بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است. با توجه به اینکه نیروی انسانی و سرمایه انسانی بانک انصار مهم ترین نقش را در موفقیت یا ناکامی آن دارد و از طرفی کسب و کارهای نوپا و شرکت های دانش بنیان تأثیر مستقیمی به رشد اقتصاد دانش بنیان دارند توجه کافی به جذب صحیح و تیم سازی مناسب می تواند عالیق، انگیزه ها و توانمندی های کارکنان را در مسیر ارزش آفرینی برای بانک قرار دهد. نتیجه حاصل از فرضیه سوم پژوهش بیان می کند بین مؤلفه درون زایی و تولید دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است. اگر

در بانک انصار شاخص درون‌زایی افزایش یابد آن‌گاه می‌توان انتظار داشت که تولید دانش نیز افزایش یابد؛ زیرا یکی از اثرات درون‌زا بودن، تولید دانش است. بانک انصار که با توجه به منابع و امکانات موجود عمل کرده و بر اساس داشته‌های خود فعالیت می‌کنند موجبات تولید دانش و راهکارهای نوین در تولید و فعالیت خود را فراهم می‌سازند. درون‌زایی موجب می‌شود که برآسمان منابع موجود در این بانک و یا شرکت دانش نوین بر همین منوال تولید گردد. نتیجه حاصل از فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه تولید دانش و به کارگیری دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است. تولید دانش در صورتی که در بانک انصار درست سازماندهی شود موجبات به کارگیری، توسعه و پیشرفت بانک را فراهم می‌کند و به همین جهت تولید دانش و به کارگیری دانش رابطه‌ی مثبت و معناداری دارند. نتیجه حاصل از فرضیه پنجم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه به کارگیری دانش و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است. به کارگیری درست از دانش کسب شده در بانک انصار باعث رشد و توسعه می‌شود و دانش را در مسیر تبدیل به ثروت قرار می‌دهد که این همان تعبییر ساده‌ی اقتصاد دانش‌بنیان است و نشان‌دهنده‌ی رابطه به کارگیری دانش و اقتصاد دانش‌بنیان است. نتیجه حاصل از فرضیه ششم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه تولید دانش و اشتراک دانش رابطه مثبت و معناداری برقرار است. با افزایش تولید دانش در بانک انصار به شرط فراهم‌سازی بسترهای مناسب برای دسترسی همگان به دانش تولید شده اشتراک دانش نیز افزایش خواهد یافت و این دو با هم دو رکن اساسی دست‌یابی به سیاست‌های مدیریت دانش هستند. نتیجه حاصل از فرضیه هفتم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه‌های اشتراک دانش و انعطاف‌پذیری رابطه مثبت و معناداری برقرار است. با توجه به اینکه انعطاف‌پذیری موجب تغییر موقعیت بانک انصار در شرایط مختلف توسط تغییر برنامه‌های خود و یا کنار گذاشتن راهبردهای فعلی شرکت می‌شود پس انعطاف‌پذیری برای حرکت در مسیر درست با اشتراک دانش به عنوان یکی از ارکان اساسی مدیریت دانش به شمار می‌رود. نتیجه حاصل از فرضیه هشتم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه اشتراک دانش و برون‌نگری رابطه مثبت و معناداری برقرار است. اشتراک دانش درون بانک انصار باعث رشد دانش نیروی انسانی و به طبع آن باعث رشد و توسعه‌ی بانک می‌شود که به موجب آن برون‌نگری را برای این بانک به همراه دارد. نتیجه حاصل از فرضیه نهم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است. انعطاف‌پذیری به معنای تطبیق سریع اقتصاد بانک انصار با شرایط مختلف است به گونه‌ای که بانک بتواند در مقابل شوک‌های منفی مقاومت کند و در شرایط جدید مستقر شود و همچنین از شوک‌های مثبت بیرونی بتواند به خوبی به نفع خود استفاده کند از جمله شکهای اقتصادی منفی به عنوان مثال می‌توان تحریم‌ها را مثال زد که در شرایطی که اقتصاد دانش‌بنیان حاکم باشد موجب

می‌شود تا بانک از خود انعطاف نشان دهد و با دانش نهادینه شده در بانک بتواند تأثیرات منفی و گاهآخوندگار تحریم را دفع کند. نتیجه حاصل از فرضیه دهم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه‌های برومنگری و اقتصاد دانش‌بنیان رابطه مثبت و معناداری برقرار است. بسط و گسترش همکاری‌ها و تبادلات اقتصادی با کشورها و بررسی، شناسایی و فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی موجود برای صادرات به سایر کشورها مستلزم داشتن تکنولوژی‌ها و خدمات به روز در زمینه‌های مورد نیاز است که لازمه‌ی آنها توجه و شکوفایی در اقتصاد دانش‌بنیان است. نتیجه حاصل از فرضیه یازدهم پژوهش بیان می‌کند بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار رابطه مثبت و معناداری برقرار است. با توجه به این که توسعه پایدار بنا به تعریف باید متنضم دست‌یابی به تولید سرانه بالاتر، اصلاح الگوی توزیع درآمد و بهبود محیط‌زیست باشد به این ترتیب دانش به عنوان یک منبع دائمی همواره در اختیار بنگاه‌های اقتصادی و کسب کارهای نوپا و دانش‌بنیان قرار گرفته و با مشارکت مکرر در فرآیندهای گوناگون تولیدی و خدماتی، سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش‌افزوده می‌شود که این امر می‌تواند سبب گسترش رفاه اجتماعی و عامل کاهش فقر و بی‌عدالتی و موجب ارتقای روند توسعه پایدار گردد. بنابراین با توجه به پیشرفت و توسعه بسیار در زمینه نرم‌افزارهای مدیریت دانش در عصر اخیر وجود سیستم‌هایی که تحت وب هستند و می‌توانند مدیریت دانش را در سازمان نهادینه کنند مورد استفاده قرار گیرند تا سازمان‌ها بتوانند در آموزش کارکنان و اشتراک دانش سازمانی در میان آنها چابک عمل کنند. با توجه به جدید بودن بررسی اثر مدیریت دانش بر اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های کشور مقالات علمی محدودی در این زمینه موجود بودند و به همین جهت پیشینه ضعیفی برای این پژوهش در سطح کشور ثبت شده بود. از طرفی زیرساخت درستی برای جمع‌آوری داده‌ها از بانک وجود نداشت.

منابع

۱. استیری، مجید (۱۳۹۷). بررسی تأثیر و نقش فناوری اطلاعات و توسعه مدیریت دانش بر اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی: فعالان اقتصادی بسیج سازندگی در استان خراسان رضوی)، *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، شماره ۱۲، صص ۳۵۱-۳۷۴.
۲. اسدی، علی (۱۳۹۳). نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره دوم، شماره ۵، صص ۲۵-۳۹.
۳. باقری، رضا و تقی، مسعود (۱۳۹۳). بررسی نقش صنعت نفت، گاز و انرژی برای تحقق اقتصاد مقاومتی، دومین کنفرانس بین المللی تحریم‌های اقتصادی.
۴. تاری، فتح‌الله و کاویانی، زهرا (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن، *فصلنامه سیاست کلان*، سال دوم، شماره ۲، صص ۹-۲۶.
۵. جعفری، مصطفی؛ اخوان، پیمان و اختری، مریم (۱۳۹۰). مدیریت دانش (نگاهی جامع بر ابزارها و تکنیک‌ها). چاپ اول، تهران: درسا.
۶. جهرمی، ترابزاده؛ سجادیه، سیدعلیرضا و سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۲، صص ۴۱-۴۶.
۷. حجازی‌نیا، رویا (۱۳۹۵). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت مدیریت دانش با رویکرد تحقق اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه رشد فناوری*، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۲۰-۱۲.
۸. حسین‌پور، داود و صدیقی، رامین (۱۳۹۷). بررسی رابطه مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی، مدیریت توسعه و تحول، شماره ۳۴، صص ۴۱-۲۵.
۹. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه، *فصلنامه مشکوه*، شماره ۱۱۸، صص ۱۳۸-۱۵.
۱۰. حسین‌زاده یزدی، سیدسعید و نباتی پابندی، بهنام (۱۳۹۷). بررسی نقش پوشش ریسک‌های خاص بانکی بانکداری بدون ربانی ایران، در تحقق اهداف بند نهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۹۴-۷۱.
۱۱. حسینی علائی، سیدرضا و نیلچی، مسلم (۱۳۹۷). بررسی نقش بانکداری اسلامی در اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۶۴-۱۴۵.

۱۲. خالقی، محمدجواد (۱۳۹۵). نقش نظام بانکی در تحقق اقتصاد مقاومتی، پژوهش ملل، دوره اول، شماره ۶، صص ۴۶-۵۶.
۱۳. خانباشی، محمد (۱۳۹۳). رویکرد فرهنگی- اجتماعی به مفهوم اقتصاد مقاومتی، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۷۱، صص ۴-۱۷.
۱۴. سیف، الله مراد (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ج. ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، دوره شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۱۱۵-۸۹.
۱۵. شامی زنجانی، مهدی و نوری، مژگان (۱۳۹۴)، مدیریت دانش چابک: راهنمای عملی پیاده‌سازی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۶. شعبانی، احمد و عبدالملک، حجت‌الله (۱۳۹۰). توسعه اقتصادی دانش‌پایه: مبانی نظری، تجربیات و الزامات سیاست‌گذاری. فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۷.
۱۷. فخری‌پور، سیدحسین؛ خوش سپهر، زهرا و ملکی، محمد حسن (۱۳۹۷). ارائه مدلی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در سازمان‌ها با به‌کارگیری نظریه شکستناپذیری، اندیشه مدیریت راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۵۲.
۱۸. فشارکی، سیدجواد و پورعبدی، سمیه (۱۳۹۳). تهدیدات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، اصفهان، علم آفرین.
۱۹. فشاری، مجید (۱۳۹۳). بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، شماره ۵ و ۶، صص ۴۰-۲۹.
۲۰. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی و ملزمات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۷۶-۴۹.
۲۱. وثوقی نیری، عبدالله و مرادی آیدیشه، شعبان (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی عامل اصلی در ارتقای بهره‌وری، همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان، صص ۳۲۱-۳۰۴.
۲۲. هاشمی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۹۷). شناسایی و طبقه‌بندی عوامل توسعه داشبورد سازمانی با منطق هوش تجاری جهت ارزیابی راهبردهای اقتصاد مقاومتی، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، سال بیست و چهارم، شماره ۷۰، صص ۶۳-۴۵.

۲۲. هزاوئی، سیدمرتضی و زیرکی حیدری، علی (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۷، صص ۲۶-۹.
24. Al-Zayyat, A. N., Al-Khaldi, F., Tadros, I., & Al-Edwan, G. (2010). The effect of knowledge management processes on project management. IBIMA Business Review.
25. Anisimova, T. (2016). The effects of corporate brand symbolism on consumer satisfaction and loyalty: evidence from Australia. Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics.
26. Ashby, J., Cox, D., McInroy, N., & Southworth, D. (2008). Delivering economic success: an international perspective on local government as stewards of local economic resilience. *Norfolk Trust*.
27. Biasutti, M., & Heba, E. D. (2012). Using Wiki in teacher education: Impact on knowledge management processes and student satisfaction. Computers & Education, 59(3), 861-872.
28. Briguglio, L., & Piccinino, S. (2009). Growth and Resilience in East Asia and The Impact of the 2009 Global Recession.
29. Byrne, B. M. (2013). Structural equation modeling with LISREL, PRELIS, and SIMPLIS: Basic concepts, applications, and programming. Psychology Press.
30. Cao, Y., & Xiang, Y. (2012). The impact of knowledge governance on knowledge sharing. Management Decision, 50(4), 591-610.
31. Chen, Z., & Xu, X. (2009). Study on construction of knowledge management system based on enhancing core competence of industrial clusters. International Journal of Business and Management, 5(3), 217.
32. Claver-Cortes, E., Zaragoza-Saez, P., & Pertusa-Ortega, E. (2007). Organizational structure features supporting knowledge management processes. Journal of Knowledge Management, 11(4), 45-57.
33. Dahlman & Anderson. (2000). Korea and Knowledge- Based Economy. Making theTransition, World Bank Institute.
34. Dolatabadi, H. R. (2015). Analysis of the Impact of Government and Resistive Economy on the Purchase of Iranian Goods. *International Journal of Resistive Economics*, 3(1), 82-89.
35. Donate, M. J., & de Pablo, J. D. S. (2015). The role of knowledge-oriented leadership in knowledge management practices and innovation. Journal of Business Research, 68(2), 360-370.

36. Douglass, M. (2013). Globalization and the Pacific Asia Crises: Toward Economic Resilience through Livable Cities. *Asian Geographer*, 19: 1-2, 119-137.
37. Fernandez, I., & Sabherwal, R. (2014). Knowledge management: Systems and processes. Routledge.
38. Hsiao, Y. C., Chen, C. J., & Chang, S. C. (2011). Knowledge management capacity and organizational performance: the social interaction view. *International Journal of Manpower*, 32(5/6), 645-660.
39. Kakabadse, N. K., Kakabadse, A., & Kouzmin, A. (2003). Reviewing the knowledge management literature: towards a taxonomy. *Journal of knowledge management*, 7(4), 75-91.
40. Li, Y. H. (2008). Entrepreneurial orientation & firm performance: The role of knowledge creation process. *Industrial Marketing Management*.
41. Lindner, F., & Wald, A. (2011). Success factors of knowledge management in temporary organizations. *International Journal of project management*, 29(7), 877-888.
42. Modica, M., & Reggiani, A. (2015). Spatial economic resilience: overview and perspectives. *Networks and Spatial Economics*, 15(2), 211-233.
43. Nonaka, I., & Takeuchi, H. (1995). *The Knowledge Creating*. New York.
44. Pant, R., Barker, K., & Zobel, C. W. (2014). Static and dynamic metrics of economic resilience for interdependent infrastructure and industry sectors. *Reliability Engineering & System Safety*, 125, 92-102.
45. Quintane, E., Mitch Casselman, R., Sebastian Reiche, B., & Nylund, P. A. (2011). Innovation as a knowledge-based outcome. *Journal of knowledge management*, 15(6), 928-947.
46. Salehi, M., Moradkhannejad, R., & Safari, K. (2012). How knowledge management is affected by organizational structure. *The learning organization*, 19(6), 518-528.
47. Schroeder, A., Pauleen, D., & Huff, S. (2012). KM governance: the mechanisms for guiding and controlling KM programs. *Journal of Knowledge Management*, 16(1), 3-21.
48. Smith. (2002). What is the Knowledge Economy? Knowledge Intensity and Distributed Knowledge Bases. The United Nations University, Institute for New Technologies, UNU/INTECH Discussion Papers. ISSN 1564-8370.

49. Wang, C. C., & Wu, A. (2016). Geographical FDI knowledge spillover and innovation of indigenous firms in China. *International business review*, 25(4), 895-906.
50. Wetzels, M; Odekerken-Schroder, G., & Oppen, C. (2009).50. Using PLS Path Modeling for Assessing Hierarchical Construct Models: Guidelines and Empirical Illustration. *Management Information Systems Quarterly*. 33(1), 98-120.

